

## فلسفه پزشکی احکام

### نساء شیخ زاده تکابی

طلبه فارغ التحصیل سطح ۳ مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خاهران قم

---

#### چکیده

در این تحقیق در صدد رسیدن به اهدافی چون تقویت عقاید و اثبات حکیمانه بودن اوامر و نواهی الهی و تشریح فلسفه پزشکی احکام هستیم. پیشرفت علوم بشری و هرچیزی که کشف گردد، منطبق با قرآن است و هیچ تعارضی با آن ندارد. دامنه تحقیق، احکام مبتلا به افراد است که بیشتر با آن‌ها سر و کار دارند. در این تحقیق از منابع کتابخانه‌ای بهره برده‌ایم. روش انجام کار به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از فیش برداری صورت گرفته است و نتایج تحقیق و بحث پیرامون آنها ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: فلسفه، علم پزشکی، احکام، فلسفه احکام

---

## مقدمه

انسان طالب سعادت و کمال است، او به گونه‌ای خلق شده است که پیوسته به دنبال گمشده و معشوق خود، یعنی خالق و پرورش‌دهنده خود می‌گردد؛ لیکن در اجتماع و جامعه انسانی موانع و سرگرمی‌های دنیوی و مادی فراوانی چراغ فروزان فطرت و ذات انسانی را کم نور و گاهی خاموش می‌کنند. انسان برای این که در دام چنین صیاد‌هایی که رئیس فرمانده آن‌ها ابلیس رجیم می‌باشد نیفتد، باید راه و مسیر شریعت و انبیا و ائمه (علیهم السلام) را بی‌ماید تا با روح و باطنی پولادین آن موانع را از سر راه بردارد و به کمال واقعی که همان رسیدن به خداست، برسد. قرآن کریم کتاب هدایت بشر به سوی خداوند متعال است که در راستای اهداف هدایتی خود از شیوه‌های گوناگون؛ برهان، موعظه، جدل به روش نیکو و اشاره‌های علمی استفاده کرده است. در قرآن بیش از هزار آیه به مطالب علمی اشاره دارد که برخی در حد اعجاز علمی قرآن به شمار می‌آید. اشارات علمی قرآن در طول تاریخ تفسیر، مورد توجه قرار گرفته و مفسران و دانشمندان اسلامی و غیر اسلامی کوشیده‌اند با توجه به علوم تجربی، فهم و تفسیری بهتر از آن‌ها پیدا کنند و شگفتی‌های این کتاب بزرگ را بهتر درک کنند و رهنمودهایی برای زندگی و راهنمایی در جهت هدایت به سوی خدا بیابند. بی‌تردید تنها راه سعادت بشر فقط انجام فرایض و واجبات الهی و ترک محرمات است. اگر انسان فرایض را با اخلاص و حضور قلب به جا آورد بهترین وسیله را برای قرب به خدا برگزیده است. در شرع مقدس اسلام همراه واجبات و محرمات مجموعه‌ای از اعمال مستحب و مکروه مقرر شده که برای انجام یا ترک آن‌ها تاکید زیادی شده است. خداوند در قرآن، هدف از خلقت انسان را عبادت و بندگی معرفی کرده است، بندگی و عبادت نیز زمانی محقق می‌گردد که سلامتی جسم مهیا باشد. اگر قرآن عبادت را هدف خلقت بیان کرده بی‌تردید به سلامتی جسم بندگان نیز نظر دارد؛ زیرا بدن سالم، عبادت صحیح را در پی دارد و تمام حلال و حرام خداوند در قرآن دارای مصلحت و مفسده روحی و جسمی است و اثرهای مثبت و منفی در بر دارد، از این رو؛ دانشمندان از بعضی از مطالب قرآن، اعجاز پزشکی را استنباط کرده‌اند.

بر این اساس احکام الهی تابع مصالح و مفاسد است که بر اساس حکمت خداوند برای ما مقرر گردیده‌اند. در زمینه‌ی پزشکی احکام تحقیقاتی صورت گرفته است که بعضی از جنبه‌ی روایات و یا قرآن مورد بررسی قرار گرفته است و بعضی دیگر نیز فلسفه پزشکی را در حد چندین حکم بیشتر بیان نکرده‌اند و یا فقط یک واجب یا حرام را انتخاب کردند و پیرامون آن به بحث پرداخته‌اند در حالی که در نوشتار حاضر ما بعد از اینکه حکم را تعریف کرده و آیه و روایتی را در زمینه‌ی وجوب، نهی، استحباب و کراهت آن آورده ایم حکم آن را مشخص کرده ایم. در واقع در این تحقیق سعی شده مواردی را بیان کنیم که تقریباً حکمش آن مورد اجماع بوده و بعد فلسفه پزشکی آن را بیان کردیم که به نظر نگارنده این روش جدید تر بوده و همچنین انتخاب موضوع نیز با مطلب همخوانی داشته است.

با انجام این کار در نظر داشتیم تا در حد خود، خدمتی به قرآن و جامعه اسلامی داشته باشیم و امید است که خداوند به قلم ما توان و برکتی بیشتر عنایت فرماید تا بتوانیم آثار قلمی بیشتر و ژرف تری از خود را شاهد باشیم که جامعه اسلامی به ویژه جوانان مسلمان از این آثار بهره مند گردند. باشد که این اثر ناچیز مورد قبول درگاه احدیت احدیت و رضایت امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قرار گیرد.

## بیان مساله

با توجه به موضوع مورد بحث که فلسفه احکام از نظر علم پزشکی است، جا دارد ابتدا تعریفی از فلسفه، سپس احکام و در آخر علم پزشکی ارائه دهیم:

واژه فلسفه، کاربردهای گوناگون و معانی متعددی دارد. این واژگان به صورت مطلق (بدون قید) و گاه به صورت پسوند(مبانی فلسفه، تاریخ فلسفه و...) و زمانی به صورت پیشوند (فلسفه اسلامی، فلسفه هنر، فلسفه دین و...) به کار رفته است. فلسفه به صورت مطلق به معنای فلسفه خاص است؛ یعنی: «علمی که در آن از عوارض موجود از آن جهت که موجود است، بحث می شود.»<sup>۱</sup>

واژه فلسفه هرگاه به صورت پسوند به کار می رود به معنای فلسفه ای است که حکما آن را به نظری و عملی تقسیم کرده اند؛ عملی را شامل تهذیب اخلاق، تدبیر منزل و سیاست مدنی دانسته اند و نظری را به طبیعیات، الهامات و ریاضیات تقسیم کرده اند. بنابراین، تاریخ فلسفه، یعنی کاوش در زمان پیدایش، رشد و سیر تکامل مباحث فلسفی و شخصیت‌های نقش آفرینی و برجسته آن. ولی هرگاه فلسفه به صورت پیشوند آورده شود، معانی گوناگونی از آن ارائه می شود که بیشتر آن معانی نو پیداست و در لغت نامه های کهن دیده نمی شود. به عنوان نمونه فلسفه اسلامی به معنای آن بخش از مباحث فلسفی است که در میان اندیشوران اسلامی مطرح شده و رشد یافته است.

«فلسفه مردمی» بر مجموعه پژوهش‌ها و مطالعاتی اطلاق می شود که در جهت تایید و تاکید تمایلات آزادی خواهانه ایت. ولف دانشمند آلمانی آن را آغاز کرد و رواج داد.<sup>۲</sup>

ولی در برخی از این واژه ها فلسفه به علمی از علوم اضافه شده است؛ مثل فلسفه حقوق، فلسفه هنر، فلسفه تاریخ و ... در این واژه ها فلسفه به معنای «علم شناسی» علم است. موضوع علم تاریخ، وقایع گذشته و تجزیه آن هاست ولی موضوع فلسفه تاریخ، خود علم تاریخ است. به هر حال در این مبحث منظور ما از فلسفه معنای دیگری است وقتی فلسفه احکام را مطرح می کنیم نظر به شناخت حکمت تشریح احکام از سوی خداوند داریم و درصدد هستیم تا حکمت، مصلحت و اهداف لحاظ شده در آن را مورد شناسایی قرار دهیم.

## پیشینه فلسفه پزشکی احکام

بررسی فلسفه احکام و تلاش برای شناخت حکم افعال و اوامر و نواهی خداوند، کاری و پیدا نیست و عمری به درازای عمر ادیان الهی و اندیشه انسان در شناخت پیام وحی دارد.

تحقیق هایی در این زمینه صورت گرفته است که با توجه به موضوع یاد شده که به موضوع پرداخته اند، بیشتر مسائل جانبی را بیان کرده اند و با حکم را گرفته و در خصوص آن به تحقیق پرداخته اند. اما در این رساله به تعریف حکمی از احکام پرداخته ایم سپس حکم آن (واجب، حرام، مستحب و مکروه بودنش) را بیان کرده ایم و فلسفه آن را از نظر قرآن و روایت عنوان کرده و در نهایت فلسفه پزشکی آن حکم را بیان کرده ایم. تحقیق درباره ی فلسفه اساس و اراده الهی، مخصوص انسان و محدود به تاریخ زندگی بشر در کره خاکی نبوده است، بلکه بر اساس آیات قرآن، پیش از آفرینش آدم فرشتگان بوسیله خداوند از پیدایش موجودی به نام آدم در زمین با خبر شدند و در صدد آمدند تا حکمت آفرینش را بدانند:

<sup>۱</sup> -محمد حسین، طباطبایی، بدایه الحکمه، ص ۱۰

<sup>۲</sup> -واژه نامه فلسفه و علوم اجتماعی، کاظم بوک نیسی و کاظم سجادی، ص ۳۶۶

«و اذ قال ربك للملائكة جاعل في الأرض خليفة قالوا أتجعل فيها من يفسد فيها يفسك الدماء...»<sup>۳</sup>

«هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من در روی زمین جانشینی قرار خواهم داد، فرشتگان گفتند: پروردگارا آیا کسی را در آن قرار می دهی که فساد و خونریزی می کند»

قرآن با طرح این آیات، برای مخاطبان خود، نوعی پیام دارد و آن این است که فرشتگان با همه مقام اطاعت و تسلیمی که به پروردگار دارند، این حق را یافتند که از فلسفه فعل و اراده الهی جويا شوند و خداوند هم با دلایل قانع کننده ایشان را پاسخ داد و به ایشان ثابت کرد که افعال الهی عالمانه ترین است و بی ملاک و مصلحت نیست. در بسیاری از آیات دیگر قرآن، برای احکام و رهنمود های وحی، فلسفه و حکمت یاد شده است که در ادامه بحث به آن ها اشاره خواهیم کرد.

وجود این آیات در قرآن، این فهم را در مخاطبان آن به وجود آورده است که هیچ فعل، حکم و اراده و سخن الهی بدون حکمت و فلسفه نیست. حال بخشی از آن ها به آسانی درک می شود و برخی نیازمند درنگ و تفکر و دانش و حتی درس آموزی از مکتب حاملان وحی و راسخان در علم است.

این نکته دقیقا همان چیزی است که در مکتب اهل بیت روی آن تکیه شده است و عملا ایشان ثابت کرده اند که از پاسخ گویی به هیچ پرسش دینی، عاجز و روی گردان نبوده اند، بلکه به درک عمیق دین و حقایق دینی تشویق می کرده اند.

این شیوه در برخی از مکاتب و مذاهب مشهود نیست، بلکه خلاف آن دیده شده است. برخی از ادیان (حتی آن ها که به عنوان ادیان الهی شناخته شوند) به دلیل راه یافتن خرافات و مطالب ساختگی در دینشان و ناتوانی از پاسخ گویی به پرسش های عقلایی پیروان، اصولا پرسش در ا مسایل دینی را امری کفرآمیز و نادرست و حرکتی الحادی معرفی می کرده اند، چنانکه نظیر چنین مشکلی در بخشی از محافل علمی اهل سنت بوجود آمده تا آنجا که برخی از ایشان تصریح کرده اند: «السؤال بدعة»

ممنوع شمردن پرسش، دو علت می تواند داشته باشد:

۱. پوشیده شدن تحریف ها و مطالب نادرست تحمیل شده بر دین
۲. ناتوانی از درک حقایق دینی و تلاش برای حفظ دیانت ظاهری مردم و سر پوش گذاشتن بر جهل داعیه داران آن دین و مکتب.

شیعه امامیه به برکت برخورداری از علوم اهل بیت، همیشه از این آزادی برخوردار بوده است که راه پرسش را برای همگان باز بگذارد. وقتی به اندیشیدن و پرسیدن و درک عمیق و بسنده نکردن به ایمان سطحی تشویق کند این بینش امامیان، سبب شد تا مجموعه ای از روایات که بیانگر فلسفه و حکمت احکام و افعال الهی است در طوای احادیث شکل گیرد، چنانکه بخشی از آن روایات را شیخ بزرگوار صدوق در کتاب «علل الشرایع» گرد آورده است. وقتی هشام بن حکم، متکلم توانمند امامی، از امام صادق (علیه السلام) درباره فلسفه روزه سوال می کند، نه تنها امام بر او خرده نمی گیرد، بلکه به وی پاسخ میدهد:

«حکمت روزه این است که تهیدست و توانمند با هم یکسان شوند ثروتمندان گاه درد گرسنگی را نچشیده اند و یا از یاد می برند و روزه سبب می شود تا بفکر نیازمندان بیافتند و بر گرسنگان رحم آورند.»<sup>۴</sup>

<sup>۳</sup> - بقره، ۳۰

<sup>۴</sup> - شیخ صدوق، علل الشرایع، ج ۲، ص ۳۷۸

در راستای تحقیق در فلسفه احکام گروه هایی نیز به مخالفت پرداخته اند و جواب هایی نیز به آن ها داده شده که چون از حوصله بحث خارج است، برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب هایی که در این زمینه وجود دارد، رجوع کنید.

به هر حال شناخت فلسفه ی احکام از نظر فقها همیشه تلاشی ارزشمند بوده است، به ویژه در نگاه فقهی اهل سنت که به دلیل کمبود منابع روایی، ناگزیر به گسترش احکام و قیاس موارد مشابه بوده اند.

یعنی هم در فقه شیعه و هم اهل سنت مطرح بوده است و فقط همین مقدار بگوییم که در قرون مختلف به بیان فلسفه احکام پرداخته اند کم و بیش و در قرن چهاردهم، که جستجوگری انسان برای اسرار طبیعت و نیز فلسفه احکام به اوج خود رسیده است، پرسش های فراوانی، فقها را واداشته است تا بصورت گسترده تری به بیان فلسفه احکام بپردازند.<sup>۵</sup>

همان گونه که در تعریف و تبیین موضوع هم احکام و هم علم پزشکی را بیان کردیم، در اینجا نیز بعد از بیان پیشینه فلسفه احکام، پیشینه علم پزشکی را ارائه می دهیم. وقتی به تاریخ می نگریم، می بینیم که علم پزشکی از دو مرحله گذشته است:

۱- مرحله ای که هنوز بصورت علم در نیامده بود.

۲- مرحله ای که پزشکی بصورت یک علم در آمد.

شیوه درمان انسان های نخستین آن بود که برای امراض تعبیر و تفسیرهای شگفتی می آوردند، آن روزها پزشکی بر پایه سحر یا چیزهای دیگر که به نظرشان موثر می آمد استوار بود.

در میان راه هایی که بشر نخستین در پزشکی خود به کار می برد، استفاده از حجامت، حرارت، سرما، ماساژ و گیاهان نیز دیده شد و این خود امری بسیار شگفت بود.

اساس پزشکی در میان مصریان قدیم بر پایه سحر بود، ولی با این همه بهترین شیوه پزشکی غیر علمی شمار می رفت. زیرا آنان با انواع پمادها و داروهای خوراکی نیز سرو کار داشتند، در میان چیزهایی که به عنوان «دارو» مصرف می کردند این چیزها نیز وجود داشتند؛ عسل، نمک، روغن، سدر، مغز، کبد، دل و خون و انواع حیوانات.

پزشکی غیر علمی گاهی موثر واقع می شد و گاهی هم کاری از پیش نمی برد. اما پزشکی علمی هنگامی پیدا شد که دانشمندان یونان بر سر کار آمدند. پیش از دو هزار سال پیش مردی به نام «بقراط» کتاب هایی در مورد علم پزشکی گرد آورد که آن ها را «گرد آورنده بقراط» می نامیدند و این بود آغاز پزشکی علمی، زیرا شیوه بقراط برای معاینه بیمار از نزدیک و تشخیص بیماری او صورت می گرفت.

«بقراط» برخی موارد علمی را که از درمان یک بیمار کشف کرده بود، در کتاب های خود یادداشت می کرد.

این برای نخستین بار بود که بجای به کار بردن شیوه های جادو گردانه، درمان همراه با معاینه و تشخیص صورت می گرفت. البته در این کار به تجربه گذشته ها هم توجه می شد. آری و این گونه پزشکی مدرن هم در جهان تولد یافت.<sup>۶</sup>

بعد این علم به ایران و روم آورده شد و عرب ها نیز به حکم همسایگی و اختلاط مقداری از طب را از آنان یاد گرفتند:

اولین نفر آن ها مردی بود از قبیله تیم الریاب که، «ابن جذیم» نام داشت، او کسی بود که در مهارت های طبیعی به او مثل زده می شد. بعد از او «حارث بن کلد» طبیب مشهور عرب متوفی سال ۵۰ هجری ظهور کرد و او را در مدرسه جندی شاپور خوزستان که بعدها نزد عرب ها به مرکز طب اسلامی شهرت یافت، فارغ شد.

<sup>۵</sup> - بهرامی، ربانی، فلسفه احکام در قرآن، ش ۳، صص ۶۴-۶۵

<sup>۶</sup> - آرکدی، لئوکوم، به من بگو چرا، ص ۷۳

حارث عهد پیامبر را درک کرد ولی مسلمان نشد ولی پیامبر به بیماران سفارش می کرد که نزد او بروند و با گسترش اسلام که دین اسلام به اوج خود رسید، علم طب نیز گسترش بیشتری پیدا کرد. در زمان ائمه (علیهم السلام) نیز علم طب با اوج و فرودهایی رو به رو بود تا این که در زمان امام صادق (علیه السلام) به اوج خود رسید و امام سخنان پر ارزشی در این زمینه دارد که در آن زمان پی به این سخنان نمی برند. به این دلیل که در آن زمان حقیقت مطالب درک نمی شد اما امروزه به دلیل پیشرفت علم به اسرار سخنان امام می توان دست یافت.<sup>۷</sup> و هم چنان این علم دنبال می شد و با پیشرفت هایی نیز همراه بود. درست است که این علم بر پایه آرای بقراط و جالینوس پی ریز شد، اما بعد ها پزشکان مسلمان مطالب زیادی بر آن افزودند و تجربیات تازه ای کسب کردند و حتی مطالب آن ها را مورد نقد و بررسی قرار دادند. از جمله این افراد محمد بن ذکریای رازی و ابوعلی سینا را می توان نام برد که تالیفات خوبی را در این زمینه دارند.<sup>۸</sup> با پیدایش این دو بزرگوار و پزشکان عالی مقام دیگر، ابتکار عمل در رشته طب کاملاً در قبضه کفایت و درایت آن ها در آمد و این نعمت عظمی و علیا را مذهب مقدس اسلام به ملت ایران انعام و اعطا فرمود.

### سوالات اصلی

۱. آیا می شود از فلسفه احکام سؤال کرد؟
۲. فلسفه احکام فقط منحصر در علوم قرآنی و روایی است؟
۳. آیا دانستن فلسفه احکام باید شرط عمل قرار گیرد؟
۴. چه انگیزه ای ما را به پرسش از فلسفه احکام وا می دارد؟
۵. آیا برای تمام احکام می توانیم فلسفه ای روشن بیان کنیم؟
۶. علم پزشکی تا چه اندازه قادر به پاسخگویی به فلسفه احکام است؟

### سوالات فرعی

۱. آیا انجام احکام الهی متضمن سلامت دین و حیات ماست؟
۲. چرا باید به احکام عمل کنیم؟
۳. آیا سؤال از فلسفه احکام فقط مختص به عصر ماست؟
۴. آیا در ادیان دیگر هم احکام وجود دارد؟
۵. پیدایش احکام و مکلف شدن افراد از چه زمانی آغاز شد؟

### روش تحقیق

این تحقیق بر اساس نگرش بنیادی است، بر اساس راهبردها، علی و تحلیلی است و بر اساس راهکارها، کتابخانه ای است به این صورت که مطالب به صورت فیش برداری جمع آوری شده سپس دسته بندی گردید و در نهایت متن اصلی بر این اساس شکل گرفته است.

<sup>۷</sup> -ابوالعباس، مستغفری، محمد خلیلی، روش تندرستی در اسلام، ص ۵۰

<sup>۸</sup> - یعقوب، جعفری، مسلمانان در بستر تاریخ، ص ۱۸۴

## نتایج و یافته ها

همان گونه که به ظاهر قرآن را به بهترین نحو ممکن گرامی می داریم در زیبایی چاپ، تنوع خط، تزیینات جلد، کاغذ، روپوش مخملی و... به مفاهیم بلند قرآنی نیز توجه شود و اوامر و نواهی قرآن در زندگی به کار برده شود.

متأسفانه امروزه جوانان و نوجوانان ما از قرآن فاصله دارند و این قدر سرگرم ماهواره و اینترنت و فیلم‌های مبتذل و... هستند به قرآن توجهی ندارند و اوامر و نواهی زندگی ساز قرآن را کنار گذاشته اند پس در این زمان بیشتر از هر چیز باید دور افتادگان از حقایق قرآن را به دامان پرمهر آن برگردانیم و به فهمیدن و فهماندن، اندیشیدن و اندیشه دادن، تحرک و متحرک ساختن در سایه سار قرآن همت گماریم و این همان بحث رسالت و نقش راستین قرآن است.

و علاوه بر همه این ها که مقدمه عمل به قرآن هستند، در راستای عمل به قرآن نیز عملی پیگیر در همه شئون فردی، فرهنگی، اجتماعی و بهداشتی و حتی سیاسی داشته باشیم.

بنابراین برای رسیدن به سعادت، عمل به قرآن باید سرلوحه زندگی گردد و در عصر ما که از هر سو فتنه ها و آشوب ها، آلودگی ها و انحراف ها، فضای جامعه را تیره کرده و آرامش روحی از جان بیشتر افراد رخت بر بسته، در چنین شرایطی بهترین پناهگاه مسلمانان قرآن است.

پس ما باید در درمان دردهای خود را در قرآن پیدا کنیم و خود را مطیع اوامر و نواهی الهی کنیم اما این که فلسفه پزشکی احکام را بیان کردیم به خاطر این بود که این کار را به مثابه یک آمپول تقویتی برای افراد می دانیم که با شناخت فلسفه پزشکی احکام آگاهانه تر اعمال خود را انجام می دهند و در واقع تقویت و بالا بردن انگیزه های افراد و ایمان و اعتقاد راسخ تری پیدا کردن را مدنظر داشتیم و دیگر این که اعجاز علمی قرآن را بازگو کنیم چراکه هر چیزی که امروزه کشف می گردد هیچ تعارضی با قرآن ندارد.

در حالی که قرآن چهارده قرن قبل نازل شده است یعنی زمانی که نه سواد و وجود داشت و نه افراد آن زمان درکشان به اندازه مردم زمان حاضر بود و جالب تر اینکه توسط یک فرد امی و درس نخوانده آورده شده و این ها همه دلیل بر اعجاز قرآن و عظمت و بزرگی و حکمت خداوند دارد که خداوند هیچ کاری را بیهوده انجام نمی دهد و احکام و دستوراتش بر اساس مصالح و مفاسد است و در واقع بیان فلسفه پزشکی احکام همانند نقش دنده کمکی ماشین است؛ یعنی همان طور که اگر ماشین در گودالی بیفتد این دنده کمکی باعث بیرون آمدن ماشین از گودال می شود در این مقطع زمانی نیز بیان فلسفه پزشکی احکام باعث می شود که جوانان ما از چالش های فرهنگی به سلامت عبور کرده و انگیزه بیشتری برای انجام احکام پیدا کنند؛ پس احکام را نباید به صورت بکن و نکن بیان کنیم.

و در پایان لازم است اشاره ای به این نکته داشته باشیم که حکمت و فلسفه احکام منحصر در موارد نام برده نیست بلکه فلسفه پزشکی جزئی از فلسفه و حکمت است و ممکن است ضرر های دیگری نیز داشته باشد که در ذهن بشر نمی گنجد و امیدواریم روزبه روز حقایق علمی قرآن آشکارتر گردد.

## پیشنهادات

در این عصر و زمان جوانان با ذهنی جستجوگر و اندیشه فعال که خواستار دانایی است از مسیر شک و تردید و پرسش های پی در پی، علاوه بر این که خود را صاحب نظر و اهل فهم جلوه می دهند پاسخ های منطقی و مستدل و قابل قبول می خواهند و

این به خاطر عطش خاصی نسبت به مفاهیم ناب دینی است که در عمق وجودشان موجود است و تا زمانی که چهره زیبا، پرتراوت، روح بخش و اطمینان آفرین آموزه های دینی با شیوه های دوستانه و صمیمانه برای آن ها بازگو نشود، این باورهای دینی و دستورات پیشوایان مذهب، چونان زنجیری زمخت، درد آور و سخت و سفت در نگاه آنان خواهند بود که چون سدی در برابر لذت جویی، تنوع طلبی، نشاط خواهی و تمامی خوشی های زندگی به چشم می خورد.

نوگرایی، تنوع طلبی، سنت شکنی و نوفهمی از دیگر ویژگی های جوانان است که در این ایام خود را نشان می دهد؛ از این رو گاه برخی مبانی ارزشی و باورهای مقدس در دیدگاه دیگران مورد نقد جوانان قرار می گرفته، حتی اصل دین و اعتقادات مذهبی مورد تردیدشان قرار می گیرد و بسیاری از اعمال پوچ و بی ارزش تلقی می شود.

پس بر ماست تا با ایجاد جاذبه و تنوع در ارائه احکام و مسائل دینی جوانان را به سمت و سوی عمل به احکام هدایت کنیم، نه این که هر گاه کارخانه ای کالایی را تولید می کند برای تبلیغ آن از بهترین و جدیدترین شیوه ها استفاده می کند و آن را در قالب کاتالوگ ها و بروشور های رنگی و جذاب معرفی می کند در حالی که آن کالاها جسم هستند و بی روح، و صاحبان کارخانه ها انسان هستند که در قالب بروشور مزیت های کالا را بیان کرده و چیزهایی که باعث خرابی و فرسایش آن می شوند را یادآور شده و نسبت به آن ها هشدار می دهند.

پس دین ما که کارخانه انسان سازی است و چیزهایی که برای انسان ها مفید و یا مضر هستند را بیان کرده که همان واجبات و محرمات و... هستند، مسئولین امر باید در قالب های متنوع و پرجاذبه و جوان پسند این احکام را ارائه دهند یعنی احکامی که مفید یا مضر انسان ها هستند در صورت های قشنگ و جذاب بیان شوند تا گیرایی بیشتری داشته باشند.

علاوه بر آن، همان گونه که در تلویزیون حین پخش برنامه ها، آگهی های بازرگانی را به صورت جذاب و قشنگی ارائه می دهند و شاید در طول روز چندین بار تکرار شوند آیا بهتر نیز در حین پخش این آگهی های بازرگانی چند حکم از احکام به صورت مختصر و مفید همانند آن آگهی ها پخش شوند به گونه ای که در ذهن همه ملکه گردد؟ به امید روزی که همه مردم ما بالاخص جوانان و نوجوانان در راستای عمل به احکام و دستورات الهی پیش قدم باشند راه های دستیابی به احکام و عمل به آن نیز فراهم و هموار باشد.

## منابع

### \* قرآن کریم

۱. آسیموف، ایزک، تن آدمی، محمد بهزاد، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶
۲. آذرخش، حسین، نماز، فلسفه احکام و روزه، تهران، انتشارات غدیر، ۱۳۷۰
۳. آیت اللهی، سید مهدی، آموزش دین، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۶۰
۴. انصاریان، حسین، نظام خانواده در اسلام، ج ۱۳، قم، دفتر انتشارات ام ابیها، ۱۳۷۹
۵. امین، محمد، اسرار طهارت، ج ۱، شوشتر، دفتر نشر طیب، ۱۳۷۷
۶. افتخاریان، سید جواد، قرآن و علوم روزه ج ۲، تهران، انتشارات افتخاریان، بینا
۷. اهتتام، احمد، اسرار و حکمت های نماز؛ ج ۱، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۴
۸. اهتتام، احمد، فلسفه احکام، ج ۱، اصفهان، انتشارات فلاح ایران، ۱۳۷۸



۹. امینی، علیرضا، سید محمد رضا آیتی، تحریر الروضه فی شرح اللمعه: چ ۶، تهران، انتشارات طه، ج ۱، ۱۳۸۲
۱۰. بی آزار شیرازی، عبدالکریم، طب روحانی یا بهداشت روانی، ج ۴، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸
۱۱. بی آزار شیرازی، عبدالکریم مسایل درمانی، چ ۲، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۵
۱۲. برجی، یعقوب علی، اخلاق پیامبران؛ چ ۱، قم، انتشارات دارالهدی، ۱۳۸۳
۱۳. بهرامی، ربانی، مجله پژوهش های قرآنی، ش ۳، مشهد دفتر تبلیغات خراسان، ۱۳۷۴
۱۴. برنستاین لئونارد، تجزیه و تحلیل موسیقی برای جوانان، مصطفی کمال پور تراب، چ ۲، تهران نشر چشمه، ۱۳۷۶
۱۵. پریور، دکتر علی، صد درس سلامتی، ج ۴، تهران انتشارات آسیا، ۱۳۶۲
۱۶. پاک نژاد، رضا اولین دانشگاه آخرین پیامبر، ج ۱، تهران مکتب الاسلامیه و بنیاد فرهنگی شهید، ج ۱۱، ۱۳۶۳
۱۷. توحیدی، اقدم، محمد حسین در آمدی بر ورزش در اسلام، ج ۲، قم، چاپ خانه نگین، ۱۳۷۸
۱۸. جهرمی، سید محمد، مجله ناظر امینه، ش ۲۰، تهران، ۱۳۸۴
۱۹. جزایری، غیاث الدین، اسرار خوراکی ها: چ ۱۸، تهران انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۳
۲۰. جوهر زاده، سید محمد رضا، موسیقی از نظر دین و دانش، چ ۸، تهران انتشارات اسلامی، ۱۳۵۰
۲۱. جعفری، یعقوب، مسلمانان در بستر تاریخ، چ ۴، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۱
۲۲. جعفری، محمد تقی، آفرینش انسان، چ ۱، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۴۴
۲۳. حسامی، محمد عزیز، تجلی حکمت در فلسفه پزشکی احکام، ج ۱، سنج، انتشارات پر توبیان، ۱۳۸۰، ۲۴. حقیقی ک.م، فروغ دانش جدید در قرآن و حدیث، چ ۲، شیراز، انتشارات لوکس، ج ۲، بیتا
۲۵. حق جو، محمد حسین، نیازمندی های نسل جوان، قم، انشارات رستگار، ۱۳۷۲
۲۶. حلم سرشت، پریش، اسمعیل، دل پیشه، اصول و بهداشت جامعه چ ۱، تهران شرکت سهامی چهر، ۱۳۶۲
۲۷. حکیم، سید محمد تقی، خوردنی و آشامیدنی: چ ۲، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۷
۲۸. خامنه ای، سید علی، رساله اجوبه الاستفتائات؛ چ ۱، تهران، انتشارات بین المللی هدی، ۱۳۸۱
۲۹. خمینی، روح الله، رساله توضیح المسائل، چ ۶، تهران، انتشارات پیام محراب، ۱۳۶۹
۳۰. دفتر تبلیغات اسلامی سپاه، امر به معروف و نهی از منکر: ج ۳ تهران انتشارات نمایندگی ولی فقیه در سپاه ۱۳۶۷
۳۱. دفتر نشر آثار مقام معظم رهبری، زن ریحانه ی آفرینش؛ چ ۱، قم، انتشارات دارالمهدی، ۱۳۸۱
۳۲. روحی، محمد، خطبه ی حضرت زهرا (سلام الله علیها) چ ۱، قم، انتشارات پیام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، ۱۳۸۲
۳۳. رضایی، حسن رضا، آموزه های تندرستی در قرآن چ ۱، قم، انتشارات عطر آگین، ۱۳۸۴
۳۴. راشدی، حسن، نماز شناسی، چ ۲، قم، ستاد اقامه نماز، ۱۳۸۰
۳۵. رضایی اصفهانی، محمد علی، پژوهش و اعجاز علمی در قرآن: رشت، انتشارات مبین، ۱۳۶۷
۳۶. رضوان طلب، محمد رضا، پرستش آگاهانه: چ ۳، قم، ستاد اقامه نماز، ۱۳۶۷
۳۷. روزنامه کیهان، ۱۳۸۴/۱۱/۱۴
۳۸. روزنامه ابرار، ۱۳۸۴/۴/۱۸

۳۹. زیبایی نژاد، محمد رضا و محمد تقی، سبحانی، در آمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، ج ۲، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۳
۴۰. زندانی، عبدالمجید، جلوه هایی از اعجاز در قرآن و سنت: حسین یزدانی، چ ۱، تهران، انتشارات احسان، ۱۳۷۹
۴۱. زندی، قدرت الله، رابطه علم و دین: ایزده، ۱۳۸۱
۴۲. سلحشور، م، تهاجم شیطانی، چ ۲، قم، انتشارات فیضیه، ۱۳۸۰
۴۳. سیاهپوش، سید محمود، آیین فطرت انتشارات جامعه ی مدرسین، ۱۳۵۹
۴۴. سبحانی، جعفر، الموجه فی اصول الفقه: چ ۱، قم، موسسه امام صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۱
۴۵. سعیدی، محمد صالح، تحلیلی بر فلسفه ی احکام اسلامی، تهران، انتشارات محمد صالح سعیدی، ۱۳۷۲
۴۶. سوفورین، الکسی، روزه روش نوین برای درمان، محمد جعفر امامی، چ ۴، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶
۴۷. سیخ رئیس ابو علی سینا، قانون در طب، عبد الرحمان شرفکندی، چ ۲، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۶۳
۴۸. شیرازی، احمد امین، اسلام پزشکی بی دارو، چ ۷، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵
۴۹. شیرازی، سید محمد، اسلام چیست و مسلمان کیست؟، سید محسن خاتمی، قم، انتشارات پیام اسلامی، ۱۳۵۲
۵۰. صافی گلپایگانی، لطف الله، معارف دین، قم، انتشارات حضرت معصومه (سلام الله علیها)، ۱۳۸۲
۵۱. طهماسبی، احمد، شیخون فرهنگی: ج ۵، قم، انتشارات یاقوت، ۱۳۸۲
۵۲. طباره، عفیف عبدالفتاح، بررسی اصول اسلام در آداب و احکام آن: ابوبکر حسن زاده، سقز، انتشارات محمدی، ۱۳۷۵
۵۳. عزیزی، فریدون، فقه و طب چ ۳، قم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴
۵۴. عبداللهی خوروش، حسین، مطهرات، چ ۸، تهران، بی تا، ۱۳۵۳
۵۵. عزتی، ابوالفضل، فلسفه نشر اسلام، قم، انتشارات دار التبلیغ اسلامی، ۱۳۸۵
۵۶. عاملی، شیخ حر، وسائل الشیعه، چ ۷، تهران، کتابفروشی اسلامی، چ ۲، ۱۳۷۲
۵۷. غفاری، محمود، اسرار پزشکی نماز شب: چ ۲، قم، نشر شهاب الدین، ۱۳۸۴
۵۸. فلسفی، کودک از نظر وراثت و تربیت، چ ۱۳، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۶۳
۵۹. فاضل، جواد، طب و درمان در اسلام چ ۱، تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۶۱
۶۰. فکور، محمد حسین، باغ باران چ ۲، قم، دارالهدی، ۱۳۸۳
۶۱. فیض الاسلام، علی نقی، نهج البلاغه، چ ۲، قم، انتشارات فیض الاسلام، ۱۳۶۸
۶۲. فلاح زاده، محمد حسین، آموزش فقه، چ ۳، قم، دفتر نشر الهادی، ۱۳۸۱
۶۳. قرائتی، محسن، تفسیر نور، چ ۵، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، ج ۱ و ۲، ۱۳۸۱
۶۴. قاسمیان، حسن، جوانان و تعاملات اجتماعی: چ ۲، تهران، معاونت آموزش های عقیدتی سیاسی بسیج، ۱۳۸۲
۶۵. قربانیان، رضا، رساله آموزشی قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۰
۶۶. قائمی، دکتر علی، پرورش مذهبی و اخلاقی کودکان: چ ۳، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۴
۶۷. قائمی، دکتر علی، شناخت، هدایت و تربیت: ج ۱، تهران، انتشارات امیری، ۱۳۶۳
۶۸. لنکرانی، محمد فاضل، رساله ی احکام: ج ۱۳، قم، انتشارات مهر، ۱۳۸۰
۶۹. لقمانی، احمد، شیوه های جذب جوانان در تبلیغ؛ چ ۱، قم، انتشارات بهشت بینش، ۱۳۸۱

۷۰. لقمانی، احمد، هدف آفرینش، چ ۸، قم، انتشارات بهشت بینش، ۱۳۸۱
۷۱. لئوکوم، آر کدی، به من بگو چرا؟ دکتر سید خلیل خلیلیان، چ ۸، تهران، موسسه انجام کتاب، ۱۳۶۴
۷۲. موسوی، رادلاهیجی، سید حسن، روزه درمان بیماری های جسم و روح ج ۱۰، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۲
۷۳. مودودی، ابوالاعلی، مبادی اسلام و فلسفه احکام: غلام رضا سعیدی، تهران، نشر احسان، ۱۳۸۱
۷۴. مستغفری، ابوالعباس، محمد خلیلی، طب النبوی و طب الصادق، یعقوب مراقی، چ ۳، قم، انتشارات مومنین، ۱۳۸۱
۷۵. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۵۹
۷۶. مطهری، مرتضی، انسان و سر نوشت: چ ۱، قم، انتشارات صدری، بی تا
۷۷. مطهری، مرتضی، بیست پاسخ، ج ۱، قم، انتشارات در راه حق، ۱۳۶۰
۷۸. مطهری، مرتضی، هدف زندگی: چ ۱، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۵۹
۷۹. موسسه در راه حق، آشنایی با قرآن: ج ۷، تهران، انتشارات پایا، ۱۳۵۸
۸۰. موسسه در راه حق، امر به معروف و نهی از منکر، ج ۸، تهران، انتشارات پایا، ۱۳۸۵
۸۱. میرزا خانی، حسین، مبانی فقهی و روانی موسیقی، قم، نشر جهاد و اجتهاد، بی تا
۸۲. محمدی اشتهاردی، محمد، گناه شناسی، چ ۴، تهران، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۰
۸۳. مجلسی، محمد باقر، حلیه المتقین چ ۱، قم، انتشارات عصر جوان، ۱۳۸۴
۸۴. محمد عراقی، محمود، خلقت انسان از نظر قرآن، قم، انتشارات شفق، ۱۳۴۷
۸۵. مصباح یزدی، آموزش عقاید چ ۱، قم، انتشارات دار الثقلین، ۱۳۷۸
۸۶. محمدی ری شهری، مقدمه ای بر شناخت خدای تهران، انتشارات یاسر، ۱۳۶۱
۸۷. موسوی همدانی، سید محمد باقر، پاسخ به پرسش های دینی، چ ۱، قم، بی تا، ۱۳۶۳
۸۸. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن: چ ۵، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۷۷
۸۹. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، تفسیر نمونه، چ ۲، تهران، انتشارات دار الکتاب الاسلامی، ج ۱ و ۲ و ۳، ۱۳۸۳
۹۰. نیازمند، یدالله اعجاز قرآن از نظر علوم امروز: تهران، انتشارات فردوسی، ۱۳۶۹
۹۱. نورانی، مصطفی، بهداشت اسلامی: چ ۱، قم، مکتی اهل بیت، ۱۳۶۹
۹۲. نوری، محمد رضا، تغذیه در قرآن: ج ۱، مشهد، انتشارات واقفی، ۱۳۷۷
۹۳. نجفی، محمد جواد، فلسفه احکام اسلام از نظر علوم روز، تهران، انتشارات کتاب فروشی اسلامیه، ۱۳۷۷
۹۴. نوری، همدانی، احکام جوانان، ج ۵، قم، انتشارات مهدی موعود، ۱۳۸۲
۹۵. نجفی، گودرز، راز نیایش! چ ۲، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، ۱۳۸۴
۹۶. ولی ابر قویی، روح الله، ۲۰۰۰ مستحب و مکروه، چ ۱، قم، انتشارات سنابل، ج ۲، ۱۳۸۳
۹۷. وحیدی، محمد، احکام عمومی، چ ۱، قم، انتشارات سنابل، ج ۲، ۱۳۸۳
۹۸. وحیدی، در آمدی بر آموزش احکام، ج ۱، قم، مرکز نشر هاجر، ۱۳۸۳
۹۹. وحیدی، محمد، فلسفه و اسرار احکام، چ ۱، قم، مرکز نشر هاجر، ۱۳۸۳
۱۰۰. هورفری، حسین، اعجاز میوه ها و سبزی ها، چ ۱، نشر طاهری، ۱۳۶۰